

واکاوی کیفی قاچاق مواد مخدر از منظر زنان قاچاقچی زندان مرکزی شهر کرمان

امیر سلطانی نژاد^{۱*}، ادیبه برشان^۲، امیرصدرا اسدی^۳، مریم بلوردی^۴، علی سادی^۵

چکیده

قاچاق مواد مخدر یکی از مسائل پیچیده اجتماعی عصر حاضر است که زمینه‌ساز بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. این پدیده نه تنها امنیت فرد، بلکه امنیت ملی جامعه را هدف قرار می‌دهد. در این پژوهش، به منظور بازسازی معنایی تجربه زیسته زنان، کشف علل و زمینه‌ها و نحوه مواجهه آنان با قاچاق مواد مخدر از روش کیفی استفاده شده است. داده‌های تحقیق از مصاحبه عمیق در زندان مرکزی شهر کرمان با ۱۸ زن قاچاقچی که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند به دست آمد و نتایج با استفاده از تحلیل تماتیک تحلیل شدند. طبق نتایج حاصله، علل قاچاق مواد مخدر توسط زنان را می‌توان در هشت مضمون اصلی: موقعیت‌های زنانه، مشکلات نظام اقتصادی، ضعف سیستم‌های مقابله، بسترهای اکولوژیک منطقه، مشکلات خانوادگی، فقر فرهنگی، دوستان ناباب و تضاد طبقاتی قرار داد. بنابراین، قاچاق مواد مخدر توسط زنان پدیده‌ای چندعلتی است که علل و زمینه‌های شکل‌گیری آن را نباید فقط در شخص یا نهادی خاص جست‌وجو کرد؛ بلکه همواره مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی، خانوادگی، قضایی، انتظامی به همراه علل فردی زمینه‌ساز تحقق قاچاق می‌شوند.

کلیدواژگان

زنان، فقر فرهنگی، قاچاق، موقعیت‌های زنانه.

۱. دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس خواجه نصیرالدین طوسی کرمان

amirsoltan59@gmail.com

adibehbarshan@gmail.com

۲. دکتری سنجش و آموزش دانشگاه تهران

amirsadraasadi@gmail.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

balvardi.m1974@yahoo.com

۴. کارشناس ارشد مردم‌شناسی، کارشناس ستاد مبارزه با مواد مخدر استان کرمان

alisadei90@gmail.com

۵. استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

مقدمه

بحران مواد مخدر در کنار سه بحران اصلی جهان- یعنی نابودی محیط زیست، تهدید اتمی و فقر- یکی از مسائل پیچیده اجتماعی عصر حاضر است. تجارت غیرقانونی مواد مخدر با هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار میلیارد دلار گردش مالی در سال و حدود ۶۰۰ میلیارد دلار سود سالانه، بعد از تجارت‌هایی نظیر نفت و اسلحه، از تجارت‌های بزرگ دنیا محسوب می‌شود [۱۹، ص ۳]. نتایج تحقیقات حاکی از این است که ۲/۵ میلیون معتاد کشور روزانه ۳ هزار و ۷۵۰ کیلوگرم معادل ۳/۷۵ تن مواد مخدر مصرف می‌کنند که در طول یک سال حدود هزار و ۳۶۰ تا هزار و ۴۰۰ تن می‌شود. از آنجا که حدود ۱۰ درصد مواد مخدر توسط پلیس کشف می‌شود، اگر این میزان را با توجه به عملکرد پلیس در ایران حدود ۱۵ درصد برآورد کنیم، می‌بینیم که پلیس سالانه حدود ۲۰۰ تن مواد مخدر (معادل تریاک) کشفیات دارد. بنابراین، می‌توان با توجه به نرخ ۱۵ درصدی کشفیات برآورد کرد که سالانه حدود هزار و ۴۰۰ تن مواد مخدر در کشور توزیع می‌شود که ۲۰۰ تن آن از سوی پلیس کشف می‌شود. از طرف دیگر، برآورد می‌شود که سالانه حدود ۴ هزار و ۵۰۰ تن تریاک در کشور افغانستان تولید می‌شود که حدود هزار و ۵۰۰ تن آن به کشورهای اروپایی ترانزیت می‌شود، حدود هزار و ۴۰۰ تن آن در پاکستان، حدود هزار و ۴۰۰ تن آن در ایران و تقریباً ۲۰۰ تن آن در خود افغانستان مصرف می‌شود [۲۱، ص ۲۵]. کشور ایران به سبب مجاورت با یکی از کانون‌های بزرگ تولید و قاچاق مواد مخدر، یعنی هلال طلایی (افغانستان و پاکستان)، به‌مثابه پلی برای ترانزیت مواد مخدر به کشورهای اروپایی واقع شده و در این رهگذر، ناگزیر با این پدیده شوم درگیر شده است. با توجه به اینکه سرزمین ایران برای ترانزیت مواد مخدر به اروپا نسبت به سایر مسیرها، کوتاه‌ترین و سهل‌الوصول‌ترین مسیر بوده است، همواره مقدار زیادی مواد مخدر وارد سرزمین جمهوری اسلامی می‌شود [۴، ص ۲۴]. سودآوری قاچاق مواد مخدر نیز این انگیزه را در فرد تقویت می‌کند که به منظور تصاحب سریع ثروت‌های کلان، به قاچاق مواد مخدر روی آورد. بنابراین، قاچاق مواد مخدر مسئله‌ای اجتماعی است که توانایی جامعه در سازمان‌یابی و حفظ نظم موجود را از بین می‌برد، عملکرد بهنجار حیات اجتماعی را مختل می‌کند و باعث دگرگونی‌های ساختاری در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی یک اجتماع می‌شود [۵، ص ۲۸].

نتایج تحقیقات پیشین بیانگر این است که قاچاق مواد مخدر برای فرد و جامعه پیامدهای منفی دارد. محمدی انارکی (۱۳۹۵) بیان می‌کند که خسارت ناشی از تولید و مصرف مواد مخدر ایران به ۱۰۰ هزار میلیارد ریال می‌رسد که ۴۷ درصد این خسارت به مصرف‌کنندگان، ۲۴ درصد به دولت و ۲۹ درصد به جامعه وارد می‌شود [۱۹، ص ۱۶]. همچنین بیگم قدمگاهی و همکاران (۱۳۸۹) معتقدند که قاچاق کالا، مواد مخدر و... پیامدهای منفی متعددی دارد: همچون افزایش تعداد درگیری‌های مرزی، افزایش موارد

گروگان‌گیری، شرارت و آدم‌ربایی، شیوع اعتیاد، کاهش میزان اشتغال، کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بخش تولیدی، رواج پول‌شویی، تضعیف فرهنگ کار، مشکلات بهداشتی و شیوع انواع بیماری‌های مسری خطرناک [۷، ص ۱۲۱]. اگر این پدیده شوم از سوی زنان انجام شود، عواقب و نتایج آن برای جامعه و حیات اجتماعی دوچندان می‌شود [۱۱، ص ۲۶]. زنان در سال‌های اخیر از محیط خانه بیرون آمده و وارد عرصه عمومی شده‌اند. از این رو، روابط اجتماعی و کنش‌های ارتباطی متعددی پیدا کردند و شبکه روابط آنان گسترده‌تر شده است. به تناسب این گستردگی، ارتباطات و انحرافات نیز در بین آن‌ها افزایش یافته است. با پیدایش و رشد فمینیسم، مطالعه جنسیت و انحرافات اجتماعی و جرایم زنان در کانون توجه مطالعات جامعه‌شناختی قرار گرفت. تا دهه ۱۹۷۰ به دلیل نرخ پایین و قابل اغماض جرایم زنان نسبت به مردان، موضوع جنسیت و انحرافات اجتماعی کمتر مورد علاقه جامعه‌شناسان قرار می‌گرفت. با آزاد شدن زنان از خانواده سنتی، کاهش محدودیت‌های اجتماعی، توسعه جنبش‌های اجتماعی زنان و ورود زنان به بازار کار، رفتار زنان و مردان به یکدیگر نزدیک شد و به دنبال آن جرایم زنان افزایش یافت [۱۹، ص ۲۰]. یکی از این جرایم قاچاق مواد مخدر است. استفاده از مواد مخدر از سوی زنان آن‌ها را با داغ اجتماعی مواجه می‌کند که خود زمینه را برای کج‌روی‌های بعدی فراهم می‌کند. زنان به علت داشتن وظایف مادری و گاهی سرپرستی خانوار، اگر به قاچاق مواد مخدر دست بزنند، ناخودآگاه نیز خود به دام اعتیاد گرفتار می‌شوند که این نیز به نوبه خود موجب بروز درگیری‌های خانوادگی و اجتماعی برای آن‌ها می‌شود و باعث می‌گردد اعتماد خانواده به آن‌ها از بین برود و زمینه فرارشان از خانواده فراهم شود. در نتیجه، زمانی که زنان حمایت عاطفی خانواده خود را از دست بدهند، به ناچار برای تأمین مخارج زندگی و اعتیادشان به روسپی‌گری و انحرافات دیگر روی می‌آورند [۸، ص ۳۶]. بنابراین مسئله قاچاق مواد مخدر از سوی زنان به منزله معضلی اجتماعی از یک طرف، صدمات جبران‌ناپذیری به ساختارها و اجزای جامعه، به خصوص خانواده، وارد می‌کند و از طرف دیگر پیامدهای زیان‌باری برای امنیت ملی دارد. پس، تحقیق در این زمینه نیازی اساسی است. علاوه بر موارد ذکر شده، قاچاق مواد مخدر از سوی زنان نیز بر اهمیت و ضرورت تحقیق در این زمینه می‌افزاید، زیرا زنان را با وظایف مادری و همسری می‌شناسیم و این گروه پایه و اساس خانواده‌ای را شکل می‌دهند که سنگ بنای جامعه است. ولی امروزه شاهد این هستیم که زنان قاچاقچی نسبت به گذشته افزایش یافته‌اند که این نیز تهدیدی برای سلامت جامعه محسوب می‌شود [۱۳، ص ۵۳]. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است: عوامل زمینه‌ساز قاچاق مواد مخدر بین زنان چیست؟

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی در خصوص قاچاق و مصرف مواد مخدر در کشور انجام شده است. در این قسمت به مطالعات متأخر اشاره می‌شود:

جعفرزاده‌پور و حسنی در تحقیقی علل و عوامل گرایش به قاچاق مواد مخدر در منطقه آورتین در شهرستان کهنوج را به روش اسنادی بررسی کردند. براساس یافته‌های این پژوهش، ویژگی‌های جغرافیایی و سوق‌الجیشی، نزدیکی به استان‌های مرزی، قرارگرفتن در مسیر قاچاق، وجود فرهنگ شدید طبقاتی، به‌ویژه در مناطق روستایی و هزینه بالای زندگی، به‌خصوص به دلیل بعد مسافت، از عواملی است که گرایش به سوی قاچاق را گسترش می‌دهد [۹].

یعقوبی در تحقیق خود با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی پدیده قاچاق مواد مخدر توسط زنان در شهر زنجان» به تبیین عوامل محیطی و اجتماعی در گرایش به قاچاق مواد مخدر با استفاده از روش پیمایش پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از این است، اوضاع نابسامان خانواده از قبیل اعتیاد و در مواردی قاچاق مواد مخدر توسط اعضای خانواده، طلاق، ازهم‌گسیختگی و ضعف اعتقادات مذهبی در سوق‌دادن آنان به سمت مواد مخدر برجستگی اساسی داشته است. در موارد درخور توجهی نیز شرایط سخت اقتصادی و تنگدستی زنانی که اغلب سرپرست خانوار بودند، از زمینه‌های ارتکاب حمل، نگهداری و فروش مواد مخدر برای تأمین زندگی به حساب می‌آمدند [۲۱].

زارعی طهمورث در تحقیق خود به بررسی هنجاریابی شخصیت قاچاقچیان پرداخته است. روش این تحقیق پیمایشی و از نوع همبستگی است. نتایج تحقیق نشان داد که میزان اغراق قاچاقچیان مواد مخدر از هنجار جامعه بالاتر است. همچنین، قاچاقچیان مواد مخدر افرادی هستند که نشانه‌هایی چون اضطراب، تشویش، دلهره، اجتماع‌ستیزی و عدم رشد اجتماعی، افکار پارانوئید، شخصیت وسواسی و آستانه تحمل پایینی دارند [۱۱].

اسمال و همکاران در پژوهشی به بررسی نقش اجتماع و به‌خصوص گروه دوستان و همسالان در شروع به قاچاق مواد مخدر پرداخته‌اند. در این تحقیق، داده‌ها از طریق مصاحبه با جوانان قاچاقچی گردآوری و سپس داده‌ها با استفاده از تحلیل موضوعی تحلیل شده‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در بیشتر مواقع، تشویق دیگر قاچاقچیان این کار را تسهیل می‌کند. درواقع، روایت جوانان در این تحقیق نشان می‌دهد که در اولین قاچاق مواد، تأثیر اجتماعی متقابل همسالان بسیار برجسته است [۳۲].

کرامود در پژوهشی با استفاده از روش کیفی- با استفاده از ۹ بحث گروهی متمرکز و ۲۷ مصاحبه عمیق- به بررسی قاچاق مواد مخدر در دو ایالت در شمال شرقی هند پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد دلایل قاچاق عبارت‌اند از: اختلافات خانوادگی، فشارهای هیجانی و مادی‌گرایی [۲۸].

بررسی مطالعات پیشین در زمینه قاچاق مواد مخدر نشان داد که تحقیقات انجام شده علل گرایش به قاچاق را بین مردان و به صورت کمی بررسی کرده‌اند. محققان قبلی با پیش فرض‌های نظری از پیش مشخص وارد میدان شده‌اند و نتایج به دست آمده توسط پژوهش‌های آنان چندان ابعاد تازه‌ای از موضوع را نمایان نکرده است؛ به طوری که بیشتر تحقیقات در سطح تحلیل‌های دومتغیره و سهم‌متغیره باقی مانده‌اند. در تحقیقات انجام گرفته در خارج از ایران، اگرچه شاهد تنوع بیشتری در حوزه روش‌شناسی و تکنیک‌های استفاده شده و جمعیت بررسی شده هستیم، موضوعاتی مثل قاچاق مواد مخدر لازم است در متن‌های فرهنگی اجتماعی خاص مطالعه شوند. همچنین، نتایج مربوط به جوامع دیگر با احتیاط در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر قابل تعمیم‌اند. بنابراین، پژوهش حاضر با اتخاذ روش‌شناسی کیفی و تفسیرگرایانه به بررسی درک و تفسیر اعضای یک جامعه خاص از پدیده قاچاق پرداخته است. به عبارت دیگر، این تحقیق در پی آن است که به نظام معنایی اعضای جامعه معین در مورد قاچاق مواد مخدر دست یابد یا موضوع قاچاق را در یک متن اجتماعی مشخص مطالعه کند. با توجه به تأکید این پژوهش بر درک و تفسیر اعضای یک جامعه خاص، نتایج تحقیق می‌تواند برای برخی از پژوهش‌های داخلی جنبه تکمیلی داشته باشد.

پیشینه نظری

از آنجا که هدف پژوهش در تحقیق کیفی-تفسیر درک، تفهم و معنای درونی کنش‌های معنادار انسان در محیط اجتماعی است، در اکثر تحقیقات کیفی محقق بدون استفاده از نظریه و فرضیه‌های از پیش تعیین شده وارد میدان تحقیق می‌شود و به بررسی پدیده مورد نظر می‌پردازد. در واقع، با توجه به منطق روش‌شناسی تفسیری و کیفی، در این روش‌شناسی از نظریه‌ها و رویکردهای مختلف نظری به شیوه متفاوت از روش‌های اثبات رایانه و کمی استفاده می‌شود. در بیشتر روش‌های کیفی و پژوهش حاضر به جای استفاده از چارچوب نظری برای تدوین و آزمون فرضیه از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤال یا سؤالات تحقیق استفاده می‌شود. چارچوب مفهومی، مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی است که بر مفاهیم و مقوله‌های عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد [۱۸]. با وجود عدم استفاده از نظریه در تحقیق کیفی، در تبیین آسیب‌های اجتماعی و بالأخص رفتارهای انحرافی سه تبیین زیست‌شناختی^۱، روان‌شناختی^۲ و جامعه‌شناختی^۳ وجود دارد. در این سه حوزه، دیدگاه‌ها و نظریه‌های مختلفی در خصوص چرایی این دسته از رفتارهای انسانی ارائه شده است که در این تحقیق با توجه به ماهیت

-
1. biological
 2. psychological
 3. sociological

موضوع (تبیین ساختاری قاچاق مواد مخدر) و اهداف تحقیق به‌نوعی ملزم به استفاده از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی هستیم. دورکیم^۱ و به‌طور کلی جامعه‌شناسی بر این عقیده است که پدیده بزهکاری و جرم را نمی‌توان با عوامل روانی و جسمانی افراد توجیه کرد، زیرا این عوامل نقش چندانی در بزهکاری افراد نداشته بلکه عوامل اجتماعی از قبیل شرایط نامناسب خانواده، ناسازگاری والدین، طلاق، بزهکاری والدین، بیکاری، مهاجرت، ضعف اعتقادات و باورهای دینی و عوامل اساسی نقش تعیین‌کننده‌ای در بزهکاری و اعمال مجرمانه دارند [۲۰]. بحث اصلی پارسونز^۲ در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش‌فرضی که در مورد خرده‌نظام‌های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح کرده، شکل گرفته است [۲۳]. کارکردهای مناسب هر یک از این خرده‌نظام‌ها و ارتباط کنش‌های متقابل بین آن‌ها عامل کنترل‌کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، متعادل‌نبودن و بی‌سازمانی در هر یک از خرده‌نظام‌ها، حیات جامعه را تهدید و زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌کند [۲۱، ص ۴۱]. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی، عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری و الگوهای رفتاری و درونی کردن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری، نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند، جامعه دچار بی‌سازمانی می‌شود که پیامد آن شیوع رفتارهای انحرافی مانند قاچاق مواد مخدر است [۱]. شا و مکی^۳ در توجیه بالا بودن نرخ بزهکاری در مناطق شهری، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی را مطرح کردند. آن‌ها بی‌سازمانی اجتماعی را به وضعیتی اطلاق می‌کردند که در آن نهادها و سازمان‌های اجتماعی مانند مدرسه، خانواده و پلیس در حل مشکلاتی که اجتماع با آن مواجه است، توانایی خود را از دست می‌دهند یا به عبارتی مکانیزم کنترل اجتماعی تضعیف می‌شود [۲۲]. با تأکید بر این نظریه، می‌توان اظهار کرد یکی از دلایل قاچاق، ضعف سیستم‌های مقابله و کنترل قاچاق است. ساترلند^۴ معتقد است رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران قواعد حقوقی را به‌منزله امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرامی‌گیرد [۲۷]. به اعتقاد ساترلند، فرد در صورتی به بزهکار مبدل می‌شود و کج‌رفتار می‌شود که تعاریف موافق قانون‌شکنی، فراوانی بیشتری از تعاریف مخالف قانون‌شکنی داشته باشد. براساس نظریه ساترلند، زنان به این علت قاچاقچی می‌شوند که به دلیل هم‌نشینی با دوستان ناباب، تعداد تماس‌های انحرافی آن‌ها بیشتر از تماس‌های غیرانحرافی‌شان است و همین عامل کج‌رو شدن آن‌هاست [۲۶].

1. Durkheim
2. Parsons
3. Shaw and McKay
4. Sutherland

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به اینکه هدف اصلی این تحقیق واکاوی قاچاق مواد مخدر توسط زنان است، از روش‌شناسی کیفی با راهبرد تحلیل تماتیک برای انجام‌دادن فرایند تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر، کلیه زنان قاچاقچی بودند که در سال ۱۳۹۵ در زندان مرکزی شهر کرمان به سر می‌بردند. در مطالعه کنونی از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند، محقق کیفی با افرادی گفت‌وگو می‌کند که در زمینه موضوع مطالعه‌شده یا جنبه‌هایی از آن اطلاعات و شناخت مناسب داشته باشند [۱۵]. به این افراد اصطلاحاً مطلعان^۱ یا دروازه‌بانان^۲ اجتماع می‌گویند [۲]. براساس معیار اشباع نظری در مورد تعداد مشارکت‌کنندگان در پژوهش تصمیم‌گیری شده است. محقق اگرچه با مصاحبه با ۱۴ نفر به اشباع نظری دست یافت، مصاحبه‌ها را تا ۱۸ نفر ادامه داد.

در پژوهش حاضر، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شده و برای انجام‌دادن مصاحبه‌ها از نوع‌شناسی مصاحبه پاتن [۶] استفاده شده است. پاتن سه نوع مصاحبه را از هم تفکیک می‌کند: مصاحبه مکالمه‌ای غیررسمی^۳، رهیافت راهنمایی مصاحبه عمومی^۴ و مصاحبه باز استاندارد شده^۵ [۳]. بر این اساس، در تحقیق حاضر هر سه رویکرد پیشنهادی پاتن به ترتیب زیر استفاده شده است: در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه مکالمه غیررسمی استفاده شده است. بعد از اینکه مفاهیم و مقوله‌های اولیه آشکار شدند، با استفاده از رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شد. پس از اینکه خطوط کلی مصاحبه‌ها به وسیله مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند، به طراحی مجموعه‌ای از سؤالات باز پرداخته شد و این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. برای تحلیل داده‌ها نیز از روش‌های معمول کدگذاری استفاده شد. سپس مقولات عمده مبتنی بر آن‌ها شناسایی و خصیصه و ابعادشان در داده‌ها کشف شدند. در دومین مرحله، مقوله‌ها براساس خواصشان (زیرمقوله) به یکدیگر متصل شدند.

یافته‌های تحقیق

از تحلیل یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، هشت مضمون اصلی پیرامون علل قاچاق مواد مخدر بین زنان قاچاقچی پدیدار شد. این مضمون‌ها به شرح ذیل‌اند:

1. informants
2. gatekeeper
3. The Informal Conversational Interview
4. The General Interview Guide Approach
5. The Standardized Open-Ended Interview

جدول ۱. مفاهیم استخراجی به همراه مقوله‌ها

ردیف	مقوله	مفاهیم
۱	موقعیت‌های زنانه	پوشش زنان هنگام حمل قاجاق، حس دل‌رحمی به زنان، تعصبات دینی به زنان و همراه‌داشتن فرزند هنگام حمل قاجاق
۲	مشکلات نظام اقتصادی	فقر، بیکاری، اقتصاد سنتی مبتنی بر کشاورزی و دامداری، خشک‌سالی، نداشتن شغل دائم، ناتوانی مالی خانواده جهت حمایت از فرزندان و نارضایتی از وضعیت مالی
۳	ضعف سیستم‌های مقابله	عدم قطعیت در برخورد با قاچاقچیان، ساده‌گرفتن توسط مأموران انتظامی، گرفتن رشوه، خرید قاضی، عدم حضور مأموران زن و ترحم مأموران نیروی انتظامی به زنان
۴	بسترهای اکولوژیک منطقه	موقعیت جغرافیایی، طبیعت کویری و نزدیکی به مرز
۵	مشکلات خانوادگی	اعتیاد اعضای خانواده، ناسازگاری والدین، زندانی‌بودن سرپرست خانواده
۶	فقر فرهنگی	ارزیابی مثبت از قاجاق، قبیح و زشت دانستن همکاری با پلیس، بی‌توجهی به پیامدهای قاجاق، فراهم‌نبودن شرایط تحصیل و پذیرش قاجاق به‌منزله یک فرهنگ
۷	دوستان ناباب	گذراندن اوقات فراغت با دوستان و تفریح با آنان در قهوه‌خانه، نشستن سر کوچه و کشیدن قلیان، هم‌نشینی با جنس مخالف، هم‌نشینی با دوستان بدکار، تحریک و تشویق دوستان قاجاقچی
۸	تضاد طبقاتی	نارضایتی از موقعیت اجتماعی، احساس بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی در اعطای تسهیلات و خدمات اجتماعی

موقعیت‌های زنانه

اعتقاد مشارکت‌کنندگان بر این بود که زن‌ها به دلیل نوع پوششی که بر تن دارند و پوشش کاملی که نسبت به مردان دارند، توانایی حمل و جابه‌جایی مواد در قالب‌های مختلف را دارند. از آنجا که پوشش مناسب و کامل یکی از هنجارهای دینی برای انسان‌ها، به‌خصوص زن‌ها، در جامعه ایران است، آن‌ها سعی داشتند از طریق این ویژگی، خود به حمل مواد مبادرت ورزند. عده‌ای از مشارکت‌کننده‌ها به نقش چادر در حمل مواد تأکید کردند. زن ۳۶ ساله (مطلقه، محکوم به ۵ سال حبس) بیان داشت:

پس از بررسی‌هایی که انجام دادم، متوجه شدم در ایست بازرسی‌ها توانایی کاملی برای بازرسی زن‌ها وجود ندارد و چادر زن‌ها نقش بسزایی در جاسازی در بدن دارد و همچنین مانع از بازدید کامل زن‌ها می‌شود. به همین دلیل، چندین بار با این ترفند در حمل مواد موفق شدم.

یکی دیگر از ویژگی‌های زنانه که نقش مهمی در قاجاق مواد مخدر دارد، سوء استفاده از

موقعیت‌های زنانه مانند نگاه شفقت‌آمیز به زنان، تعصبات دینی مردان به زنان و همراه‌داشتن بچه و نوزاد است. از گذشته‌های دور، مردان به زنان حس دلسوزی داشتند. زن در فرهنگ و جامعه ایرانی جایگاه و منزلت خاصی دارد و پس از سالیان متمادی مردان هنوز هم به آن‌ها تعصب و حس ترحم‌آمیز دارند. اما این موضوع باعث شده برخی از زنان از این جایگاه خود سوء استفاده کنند. مبادرت به قاچاق مواد هم از این قاعده مستثنا نیست. زن ۳۷ ساله (متأهل، متهم به حمل هروئین و محکوم به ۹ سال حبس) بیان داشت:

هنگامی که مأمور مرد به طرف ماشین می‌اومد و می‌خواست داخل ماشین رو برای بازرسی نگاه کنه، فوری بچه کوچیکم رو برمی‌داشتم و اقدام به شیردادن می‌کردم. با این شیوه، مأمور هم به دلیل نامحرم‌بودن از نگاه کردن صرف‌نظر می‌کرد و اجازه عبور می‌داد. زنی ۴۰ ساله (بیوه و محکوم به ۴ سال حبس به جهت حمل تریاک) اظهار داشت:

همیشه وقتی به ایست بازرسی می‌رسیدیم، شوهرم رو بازرسی می‌کردن و چندان توجهی به من نمی‌کردن. به اون‌ها خوراکی تعارف می‌کردم و حس مهربون‌بودن به خودم می‌گرفتم. این موضوع باعث شد که تصمیم بگیریم باهم مواد جابه‌جا کنیم.

مشکلات نظام اقتصادی

اقتصاد منطقه بررسی شده عمدتاً مبتنی بر کشاورزی سنتی بود. با توجه به خشک‌سالی‌های اخیر استان کرمان، کشاورزان منطقه در چند سال اخیر با ضرر ورشکستگی مواجه شده‌اند. این امر موجب شده فعالیت‌های اقتصادی جانبی در منطقه به سرعت رشد کند. یکی از فعالیت‌های مهم اقتصادی جانبی قاچاق مواد مخدر است. زنی ۳۵ ساله (متأهل و متهم به حمل شیشه) اظهار کرد:

بعد از کم‌شدن آب موتور پمپ و عدم توانایی در پرداخت هزینه‌های زندگی، تنها راه سریع پولدار شدن و پاس کردن چک‌ها قاچاق مواد مخدر بود.

بنابراین، یکی از علل مهم گرایش به قاچاق مواد مخدر بین زنان زندان مرکزی شهر کرمان فقر و بیکاری بود. بیکاری و عدم اشتغال نیروی کار، به‌خصوص زنان، زمینه بروز انواع انحرافات اجتماعی را فراهم می‌کند. فقر موجب می‌شود که افراد در شرایط بد محیطی و فقیرنشین زندگی کنند و این شرایط موجب شده آن‌ها به سوی قاچاق سوق داده شوند. امروزه، مخارج زندگی با توجه به تورم موجود بالا رفته و خانواده‌ها برای تهیه مخارج زندگی خود به هر کاری اقدام می‌کنند. زن ۳۷ ساله (متأهل و محکوم به ۵ سال حبس) اظهار داشت:

گرسنگی بچه‌هام، پول آب و برق، پول درمان شوهرم تنها یک راه برای من گذاشته بود، اون هم حمل مواد مخدر بود. چراکه به گفته دوستم نون خوبی درش هست و می‌شه تا آخر عمر پولدار بود.

در همین زمینه، زنی ۴۰ ساله (متاهل، متهم به خرید و فروش شیشه و محکوم به ۸ سال حبس) بیان داشت:

کرایه‌خونه‌ام عقب‌افتاده بود و صاحب‌خونه به من مهلت یک هفته‌ای داده بود تا خونه رو خالی کنم. من هم برای تهیه پول خونه مجبور شدم مواد جابه‌جا کنم و به خرده‌فروشی بپردازم.

یکی از مواردی که مشارکت‌کنندگان به‌وفور آن را متذکر می‌شدند، بیکاری اعضای خانواده به‌خصوص شوهر بود. بسیاری از آن‌ها برای اینکه دوشادوش مرد خانه یا برای جبران بیکاری شوهر خود کاری انجام دهند به این کار روی آورده بودند. زنی ۴۵ ساله (متاهل، محکوم به ۶ سال حبس به علت فروش هروئین) اظهار داشت:

شوهرم چندان جربه‌ای برای مدیریت خونه نداشت و دائم بیکار در خونه افتاده بود و تمام مسئولیت زندگی به‌گونه‌ای با من بود. من هم برای تهیه پول عروسی پسرم مجبور شدم مواد جابه‌جا کنم.

ضعف سیستم‌های مقابله

مشارکت‌کنندگان در تحقیق یکی از دلایل قاچاق را فقدان کنترل انتظامی مؤثر می‌دانند. در واقع، فساد، رابطه‌بازی و عدم قطعیت در زمینه برخورد با قاچاقچیان و توزیع‌کنندگان مواد مخدر به دفعات از سوی مشارکت‌کنندگان ذکر و بر آن تأکید شد. یکی از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند:

اینجا اگه کسی رو به خاطر قاچاق تریاک بگیرن، برخورد آن‌چنانی باهاش نمی‌شه. خیلی زود آزاد می‌شه.

یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان در تحقیق عنوان می‌کند:

یکی از اقوام ما رو به خاطر مواد مخدر گرفتن، اما خیلی زود آزادش کردن. من شنیدم یه جریمه براش تعیین کردن و چند سال حبس. البته من شنیدم که می‌گن قاضی و دادگستری اینجا فکر مردم رو می‌کنن که وضع مالی‌شون خوب نیست و کشاورزن.

یکی دیگر از ضعف‌های مقابله با قاچاقچیان حضور نداشتن مأمور زن در ایست بازرسی است. قاچاقچیان مواد مخدر کارهای بازرسی و اطلاعاتی را بیشتر در حیطة وظایف پلیس مرد می‌دانند و کمتر احتمال حضور پلیس زن را در این مجموعه می‌دهند. به عقیده مشارکت‌کنندگان، حضور نداشتن پلیس زن در ایست بازرسی‌ها کمتر آن‌ها را دچار اضطراب و تغییر حالات روحی می‌کند. آن‌ها معتقد بودند که نبود پلیس زن، به صورت دائم و مستمر، در پست احتمال ناکامی را کاهش می‌دهد. زنی ۴۰ ساله (بیوه و متهم به خرید و فروش تریاک) اظهار داشت:

نمود پلیس زن در پست ایست بازرسی همراه پلیس مرد نقش مؤثری در حمل مواد من داشت. چون مردها مثل زن‌ها نمی‌تونن حالت ترس و خودباختگی رو در زن‌ها درک کنن.

بسترهای اکولوژیک منطقه

با توجه به اینکه اکثر مصاحبه‌شوندگان از مناطق جنوبی و جنوب شرق کرمان بودند، آنان اظهار داشتند که موقعیت جغرافیایی این منطقه از جنبه‌های مختلف در روند شکل‌گیری و گسترش مصرف مواد مخدر نقش دارد. درواقع، یکی از جنبه‌های این زمینه از یک طرف فاصله نزدیک زمانی و مکانی و از طرف دیگر فاصله نزدیک ارزشی و فرهنگی با شهرستان‌های مجاور سیستان و بلوچستان است که این همگرایی‌های زبانی، مذهبی، فرهنگی و اجتماعی نقشی مهم در گسترش مواد مخدر این منطقه داشته است. یکی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه عنوان می‌کند:

چون اینجا نزدیک به ایرانشهره مواد فراوان و با قیمت پایین گیر می‌آد. درحالی‌که قیمت همین مواد در کرمان سه برابره و اگر به تهران برسونید، چندین برابر می‌شه.

مشکلات خانوادگی

اختلاف خانوادگی و ناسازگاری والدین باهم تأثیر نامطلوبی روی جوانان می‌گذارد و آنان را به سوی ارتکاب جرم یا مصرف مواد سوق می‌دهد. در خانواده‌ای که تفرقه و جدایی حکومت می‌کند، اگرچه جوان عملاً در اغلب موارد از محبت والدین خود محروم نیست، باطناً افسرده و بی‌حوصله می‌شود. اگر فرد در کانون خانواده رنگ آرامش، صفا و صمیمیت را نبیند، ناچار است در کوچه و خیابان به جست‌وجوی آن بپردازد [۱۱]. با عنایت به ملاحظات چالش‌برانگیز جوامع جدید مبتنی بر اختلافات خانوادگی، تقلیل روابط اجتماعی و ضعف پیوندهای ارتباط‌دهنده فرد با اجتماع، چنان‌چه به واشکافی دقیق‌تر این مفهوم بپردازیم، پی خواهیم برد که برخی افراد در معرض آن‌گونه روابط اجتماعی قرار دارند که از مصادیق عمده آن نبود رابطه و پیوند نزدیک و صمیمی با دیگران است. بی‌شک چنین احساس ناپیوستگی با محیط، احتمال درگیری در رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. چنین گفتمانی را می‌توان در نبود تعاملات تفاهمی ما بین اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شوندگان مشاهده کرد.

به‌ندرت یاد می‌آد در خونه ما بر سر یک موضوع بحثی درگرفته باشه و به توافق برسیم.

در چنین ساختی از روابط، هریک از اعضای خانواده واحد جداگانه‌ای دارد و زندگی خانوادگی به عرصه‌ای بدل می‌شود که در آن اعضا هیچ‌گونه مقصود و هدف مشترکی را دنبال نمی‌کنند [۱۹].

وقتی که هر کسی سرش تو لاک خودش، نه تنها کمک مالی به ما نمی‌شده، بلکه هیچ توجهی هم به ما نمی‌شده. چه دل خوشی‌ای می‌تونم به خانواده‌ام داشته باشم؟ در این شرایط بد خانوادگی آدم باید خودش گلیمش رو از آب بکشه؟

این رویکرد در تئوری شبکه اجتماعی^۱ نیز قابل ردیابی است، زیرا توجه آن به روابط و حمایت‌های اجتماعی معطوف است. کارکرد بالقوه شبکه‌های اجتماعی فراهم کردن حمایت اجتماعی است. یکی دیگر از مشکلات خانوادگی که زمینه‌ساز گرایش به قاچاق در بین زنان شده است اعتیاد است. امروزه، قاچاقچیان بزرگ از این ضعف زنان در انتقال و قاچاق مواد مخدر سوء استفاده می‌کنند. شوهران معتاد یکی از علل مهم قاچاق مواد مخدر از سوی زنان هستند. شوهران معتاد برای اینکه از سرزنش و انتقاد همسر خود بکاهند و همچنین در مواقع عدم تمکن مالی برای تهیه مواد مخدر، زنان خود را دچار اعتیاد به مواد مخدر می‌کنند، تا به کارهای ناپسند و نامشروع نظیر گدایی، فروش مواد مخدر و حتی قاچاق مواد مخدر بکشانند. زنی ۳۵ ساله (متاهل و محکوم به ۷ سال حبس) بیان داشت:

اعتیاد شوهرم من رو خیلی ناراحت کرده بود و عذاب می‌کشیدم. شوهرم برای اینکه از دست غرغره‌های من خلاص بشه، من رو هم مثل خودش معتاد کرد. اما پس از چند وقت برای تهیه پول مواد به مشکل برخوردیم. به همین دلیل، شوهرم من رو مجبور کرد تا برای تهیه پول مواد، هروئین برای خرده‌فروش‌ها جابه‌جا کنم.

فقر فرهنگی

به نظر مشارکت‌کننده‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی استان کرمان، قاچاق مواد مخدر در این استان جزئی از فرهنگ و منش آن‌ها به شمار می‌آید. شیوع قاچاق مواد مخدر از سوی اطرافیان و اقوام از مواردی بود که اغلب مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند. زنی ۳۸ ساله (مطلقه و محکوم به ۱۰ سال حبس) اظهار داشت:

شوهرم زندگی ما رو با حمل و قاچاق مواد اداره می‌کرد. اما از روزی که دستگیر و روانه زندان شد، من سعی کردم با اطلاعات و تجربیاتی که از شوهرم کسب کرده بودم راه اون رو ادامه بدم. چون بیشتر درآمد اطرافیان ما از طریق حمل و فروش مواد مخدر به دست می‌اومد.

یکی دیگر از جنبه‌های فرهنگی در امر قاچاق، همکاری نکردن با نیروهای انتظامی است. قاچاقچیان مواد مخدر توانسته‌اند با اتکا به پیوندهای طایفه‌ای و فامیلی در منطقه، موضوع همکاری با پلیس را بین عامه مردم امری قبیح و زشت تلقی کنند. به طوری که هرکس چنین کاری بکند، معمولاً از اجتماع طرد می‌شود و برچسب‌های اجتماعی با عنوان مخبر، نامرد و

1. network theory

آدم‌فروش به او زده می‌شود. همچنین، فردی که به قاچاق مواد مخدر می‌پردازد، در صورتی که در کار خود موفق شود، خیلی زود و در زمان کوتاهی می‌تواند به ثروت زیادی دست پیدا کند. این فرد به دلیل فقر فرهنگی جاذبه و پذیرشی بین عامه مردم به دست می‌آورد و به‌عنوان یک الگو شخصیتی مهم تلقی می‌شود. این خود زمینه را برای روی آوردن عده‌ای دیگر به این شغل فراهم می‌کند.

دوستان ناباب

در منظر بسیاری از رویکردها و تئوری‌های علمی توافقی عام وجود دارد که فرایند جرم گاهی از طریق آموزشی سامان می‌یابد که از کانال‌های غیرمستقیم مانند سرمشق‌گیری یا مشاهده رفتار به وجود می‌آید. کسانی که در مدت زمان کوتاهی پایگاه اقتصادی بالایی کسب می‌کنند، خواسته و ناخواسته، الگویی را به ذهن فعال و ضمیر نانوشته افراد تزریق می‌کنند. زن ۳۷ ساله بیان می‌کند " شما دقت کنید، اکثر افراد پولدار منطقه و کسانی که توپوتای هایلوکس دارند قاچاقچی هستند. ساترلند در نظریه هم‌نشینی افتراقی بیان می‌کند که انحراف و کج‌روی از طریق هم‌نشینی یا داشتن روابط اجتماعی با محیط و اطرافیان آموخته می‌شود. بر همین اساس، زنی ۳۵ ساله (بیوه و محکوم به ۸ سال حبس) اظهار داشت:

با زن همسایه رابطه خوبی داشتم و گاهی وقت‌ها از تنهایی بهش سر می‌زدم. از شانس بدم اون هم مثل من زنی بیوه بود. با این تفاوت که او خلاف کار بود و شغلی داشت. من هم برای اینکه برای خودم کسی بشم، تصمیم گرفتم با اون مواد جابه‌جا کنم، چون فکر می‌کردم این جوری تو طایفه شناخته‌تر می‌شم.

زن دیگری بیان نمود من از روزی که چشم به جهان گشودم تمام اقوام و اطرافیانم هرکدام به‌نوعی در فروش و حمل مواد نقش داشتند. وقتی هم که بزرگ شدم به درخواست یکی از اقوام به این کار رو آوردم تا همانند اون‌ها بشم.

از اکثر مصاحبه‌ها چنین برمی‌آید که محیط زندگی و دوستان ناباب به‌نوعی تسهیل‌کننده گرایش به سمت قاچاق مواد مخدرند. مابین برخی از مصاحبه‌شوندگان، قاچاق همچون یکی از مظاهر مشخص‌کننده پایگاه و منزلت اجتماعی تفهیم شده است. بسیاری از زنان به دلیل روحیه لطیف و حساس و با قرار گرفتن در شرایط محیطی، خود را مشتاق به اجرای چنین الگوهایی می‌یابند که این فرایند، هم‌راستای مفهوم «تقویت افتراقی»^۱ است. از نظر این دیدگاه، افراد رفتاری را برمی‌گزینند که تعاریف تأییدگری برای آن رفتار به دست آورند. به‌واقع، یادگیری بین گروه‌هایی که به فرد نزدیک‌اند مؤثرتر است. آن‌ها به‌منزله الگوهای رفتاری برجسته عمل می‌کنند و به‌مثابه منابع عمده، فرد را کنترل و هدایت می‌کنند [۱].

1. differential reinforcement

تضاد طبقاتی

وقتی افراد در جامعه وضعیتی را مشاهده کنند که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است و کسانی با بهره‌مندی از امتیازاتی خاص مراتبی را در اجتماع اشغال کرده‌اند، احساس بی‌عدالتی در جامعه به افراد دست می‌دهد که به قول کی. رابرت مرتن با مشاهده این وضعیت، آنان برای دستیابی به مراتب مشابه دنبال رفتار جایگزین می‌گردند که ممکن است آن رفتار جایگزین شده کنشی مجرمانه از قبیل قاچاق مواد مخدر باشد. زنی ۳۴ ساله (بیوه و محکوم به ۳ سال حبس) اظهار کرد:

بعد از مرگ همسرم چند سال در یک کارگاه کار کردم، اما نتونستم خرج خونه رو بدم. درحالی‌که همسایه‌مون بهترین ماشین و خونه رو داشت.

زن دیگری نیز اظهار داشت:

بچه‌هام نمی‌تونستن مثل همکلاسی‌هاشون لباس بیوشن و کوچیک‌ترین چیزهایی که دیگران داشتن بچه‌های من از اون‌ها محروم بودن.

بنابراین با تأکید بر نظریه محرومیت نسبی، می‌توان اظهار کرد که خواسته‌های جدیدی در زنان، در پی مقایسه خود و فرزندانشان با دیگران، شکل می‌گیرد؛ خواسته‌هایی که به نوبه خود شاید خواسته‌های حقیقی فرد نباشند، اما در مقایسه با دیگران، در فرد احساس نیاز به وجود می‌آورند. این احساس نیاز با عنوان احساس کمبود نسبی یا بی‌عدالتی نسبی معرفی می‌شود.

نتیجه‌گیری

سال‌هاست که موضوع مواد مخدر به یکی از مسائل مهم اجتماعی در همه کشورهای تبدیل شده است. این مسئله هم در کشور ایران و هم در سطح جهانی به حد نگران‌کننده‌ای رسیده است و گفت‌وگوها، پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی برای شناخت ابعاد مسئله و کنترل آن انجام گرفته است. یکی از گروه‌ها که امروزه قاچاق از سوی آن‌ها انجام می‌گیرد زنانند. این پژوهش با هدف واکاوی کیفی قاچاق مواد مخدر از منظر زنان قاچاقچی زندان مرکزی شهر کرمان انجام شده است. در بررسی علل قاچاق زنان به هشت درون‌مایه اصلی دست یافتیم. اولین مقوله بررسی شده موقعیت‌های زنانه بود. پوشش زنان، همراه داشتن فرزند، حس ترحم‌آمیز و تعصبات دینی نسبت به زنان و در هنگام حمل قاچاق سبب کاهش کنترل و بازرسی آنان می‌شود. این یافته مؤید مطالعه تجربی محمدی و همکاران و نظریه کنترل اجتماعی هیرشی^۱ است. هیرشی معتقد بود که برای بزه‌کار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز،

1. Hirschi

فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه سبک‌سنگین کند. وی مدعی است که پیوند میان فرد و جامعه علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن، دلیل اصلی کج‌رفتاری است و در این میان نهادهای کنترل‌گر، مثل نهادهای نظامی، نقشی مهم دارند.

از دیگر علل قاچاق مواد مخدر از سوی زنان مشکلات اقتصادی است. آنچه در این پژوهش در مورد رابطه مشکلات اقتصادی و قاچاق به دست آمد، مؤید مطالعه تجربی عبدالمحمدی است [۱۴]. بنابراین، با توجه به خشک‌سالی‌های اخیر استان کرمان، کشاورزان منطقه در چند سال اخیر با ضرر ورشکستگی مواجه شده‌اند. این امر موجب شده فعالیت‌های اقتصادی جانبی در منطقه به سرعت رشد کند. یکی از فعالیت‌های مهم جانبی قاچاق مواد مخدر است که بستر اکولوژیک این امر را تشدید می‌کند. از آنجا که این منطقه به لحاظ جغرافیایی و اکولوژیک مرزی طولانی و گسترده با استان سیستان و بلوچستان دارد و این هم‌جواری جغرافیایی با هم‌جواری فرهنگی همراه شده، زمینه را برای فعالیت‌های اقتصادی مانند قاچاق مواد مخدر فراهم کرده است. این یافته با نظریه فرصت جرم ۱، فلسون و کلارک (۱۹۹۸) قابل تبیین است. تفکر حاکم بر این نظریه آن است که به صرف وجود بزهکار و بزه‌دیده، جرم واقع نمی‌شود، بلکه باید فرصت و موقعیت مناسب برای ارتکاب آن نیز فراهم باشد [۱۲]. پس از دیدگاه این نظریه، نقش مثبت موقعیت جغرافیایی، طبیعت کویری، نزدیکی به مرز، فرصت قاچاق را برای زنان مهیا کرده است. مشکلات خانوادگی از طریق ایجاد اختلال در کارکردهای اجتماعی و درونی کردن ارزش‌ها و ساختن شخصیت متزلزل اعضای خود، نقشی مهم در قاچاق مواد مخدر به وسیله زنان داشته‌اند. مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که اعتیاد اعضای خانواده، ناسازگاری والدین، زندانی‌بودن سرپرست خانواده و بی‌توجهی به آن‌ها زمینه‌ساز قاچاق شده است، زیرا منش کودک آینه تمام‌نمای روش تربیتی والدین است و سازگاری یا ناسازگاری کودک بستگی مستقیم به تربیت و پرورش و زمینه‌سازی پدر و مادر دارد. والدین زمانی در محیط خانوادگی موفق به ایجاد محیطی سالم و مناسب خواهند شد که تفاهم و هماهنگی لازم را در اداره کانون خانوادگی و تربیت فرزندان داشته باشند. اگر کانون خانواده به علت اغتشاش، بحث و مجادله خالی از دوستی و صمیمیت باشد، وجود والدین به اندازه فقدان آن‌ها بر روحیه کودک و اخلاق وی لطمه و ضربه وارد می‌کند. در همین زمینه، چشم‌انداز تعاملی سی‌گل [۳۱]، روابط عمیق اجتماعی افراد به‌ویژه در ساحت‌های خانوادگی را در تحلیل‌هایش به قاچاق مواد مخدر مؤثر می‌یابد. پیس [۳۰] نیز همین‌گونه نتیجه‌گیری کرده که قاچاق پیامد گسستن پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی، فقدان مشارکت و گم کردن هدف است.

1. Crime opportunity Theory
2. Felson & Clarke

پژوهش لیک [۲۹] و همکاران درباره قچاق مواد مخدر حاکی از تأیید یافته‌های این پژوهش درباره نقش اثرگذار والدین و اعضای خانواده و حلقه ارتباطات خانوادگی بر قچاق از سوی زنان است. دوستان ناباب (گذراندن اوقات فراغت با دوستان و تفریح با آنان در قهوه‌خانه، نشستن سر کوچه و کشیدن قلیان، هم‌نشینی با جنس مخالف، هم‌نشینی با دوستان بدکار، تحریک و تشویق دوستان قچاقچی) از طریق نوعی هم‌نشینی افتراقی و تشویق کردن به کج‌روی و اعطای پاداش در این زمینه، به‌منزله یکی دیگر علل قچاق مواد مخدر توسط زنان بود. در توضیح این مطلب و هم‌عقیده با نظریه پیوند افتراقی ساترلند می‌توان اذعان کرد نزدیکان و همسالانی که بزهکار باشند، تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکارانه می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. بنابراین، دوستان و معاشران نقش مهمی در قچاقچی شدن زنان در تحقیق شریفیان و ملکمیان دارند. حدود ۵۱ درصد افراد نمونه شروع قچاق را در نتیجه توصیه دوستان اعلام کرده‌اند [۱۳]. این میزان به نسبتی مشابه در تحقیقات دیگر نیز یافت شده است. همچنین نتایج گروسی و دولت‌آبادی نشان داد ۳۴ درصد معتادان و قچاقچیان یک نمونه کشوری، تحت تأثیر دوستان به مصرف و قچاق مواد روی آورده‌اند. چنان‌که گفته شد، این یافته جزء موارد مکرر بوده و در تحقیقات خارج از کشور نیز به آن اشاره شده است. الیبوت دریافت ۵۷ آزمودنی که مواد مخدر قچاق کرده‌اند به صورت ثابت دوستانی معتاد یا قچاقچی داشته‌اند [۲۴]. فقر فرهنگی نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در قچاق مواد مخدر به‌وسیله زنان بود. یافته‌های پژوهش حاضر تأییدکننده مطالعه تجربی حاجلی و همکاران که حاکی از نقش فقر فرهنگی در قچاق مواد مخدر است [۱۰]. یافته‌های این مطالعه نشان داد رسوم و سنت‌های تشویق‌کننده زیادی از جمله ارزیابی مثبت از قچاق، قبح و زشت دانستن همکاری با پلیس، بی‌توجهی به پیامدهای قچاق و پذیرش قچاق به‌منزله یک فرهنگ وجود دارد که قچاق مواد مخدر را تسهیل می‌کند. زنان قچاقچی واکنش‌ها و تعاملات خاصی از خود بروز داده‌اند که می‌توان آن‌ها را به شکل پیوستاری از ارزیابی مثبت تا ارزیابی منفی موقعیتی با غلبه ارزیابی مثبت از قچاق مواد مخدر دسته‌بندی کرد. درواقع، اگرچه تعاملات و واکنش‌ها در برابر شرایط مذکور می‌تواند به صورت پیوستاری از ارزیابی مثبت تا ارزیابی منفی باشد، ارزیابی مثبت به نسبت به مواد مخدر غلبه دارد. بنابراین، در این زمینه، یعنی واکنش به شرایط ذکرشده، می‌توان گفت که در این منطقه براساس دیدگاه مشارکت‌کنندگان یک نوع پذیرش نسبی از قچاق مواد مخدر وجود دارد.

و درنهایت یکی دیگر علل قچاق مواد مخدر از سوی زنان تضاد طبقاتی است. آنچه در این پژوهش در مورد رابطه تضاد طبقاتی و قچاق به‌دست آمد، مؤید مطالعه تجربی کرمی و اعتمادی‌فر است. یافته‌های این مطالعه نشان داد که مصرف و قچاق مواد مخدر یکی از نشانه‌های اعتراض به نظام پدرسالاری و تبعیض جنسی است [۱۶]. نظریه فمینیستی بر این باور است که زنان و مردان برابرند و باید با حقوق یکسانی ارزیابی شوند. اما انسان‌ها در یک نظام پدرسالارانه، که مردان بر زنان تسلط دارند، زندگی می‌کنند که در آن به جنس مرد بیشتر از

زن بها داده می‌شود و چنین فرض می‌شود که جنسیت از نظر اجتماعی پدید می‌آید، نه از نظر ژنتیکی. نظریه فمینیستی بر این باور است که خاستگاه این نابرابری جنسی، نابرابری قدرت مردان با زنان در جامعه سرمایه‌داری است. برخی از فمینیست‌ها کج‌رفتاری و جرم زنان را به‌منزله واکنش عقلی به تجربه‌های تبعیض جنسی در کار، ازدواج و روابط بین فردی تبیین می‌کنند [۱۷].

نتایج تحقیق بیانگر این بود که علل و زمینه‌های شکل‌گیری و رخداد قاچاق را نباید فقط در شخص یا نهادی واحد همچون نیروی انتظامی جست‌وجو کرد؛ بلکه همواره مجموعه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی و محیطی، خانوادگی و قضایی به همراه علل فردی زمینه‌ساز تحقق قاچاق می‌شوند. بنابراین، به‌طور کلی همسو با نظریه‌های گیدنز، فلسون و کوهن در قالب تغییر الگوی فعالیت‌های روزانه و سبک زندگی مبنی بر اینکه شرط تحقق کنش نابهنجار تجمیع و حضور همه شرایط و عوامل است [۲۵]، ضروری است جهت برون‌رفت از وضع موجود و کاهش قاچاق مواد مخدر از سوی زنان، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی از یک سو و همچنین نقش ارادی و گزینش انتخابی سوژه را در برنامه‌ریزی‌ها در نظر داشت. این بدان معناست که جهت پیشگیری از قاچاق باید به اقدامات فرابخشی و بین‌ساختاری و به‌ویژه منطبق با شرایط فرهنگی جامعه توجه کرد. از آنجا که روش‌های سنتی مبارزه با مواد مخدر که از سوی نیروهای انتظامی و قضایی دنبال می‌شود و عمدتاً بر کاهش عرضه تأکید دارند، به دلیل عدم حمایت مردمی، نمی‌تواند به‌تنهایی قرین توفیق باشند، لازم است به روش‌های کاهش تقاضا هم توسل جست و با استفاده از ظرفیت‌های محلی، برنامه‌های آموزشی معطوف به تغییر نگرش و تغییر فهم و ادراک مردم از مسئله قاچاق مواد مخدر را هم دنبال کرد.

نتایج تحقیق نشان داد علاوه بر فقر فرهنگی، مشکلات اقتصادی نیز زمینه‌ساز قاچاق مواد مخدر بین زنان است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با برنامه‌های اقتصادی همچون اشتغال زنان، ایجاد بیمه همگانی، بیمه بیکاری، برخورداری زنان از تسهیلات اجتماعی، زمینه توانمندسازی و افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی فراهم شود. نتایج این تحقیق همچنین بیانگر این بود که میزان معاشرت زنان با دوستان ناباب نقش مهمی در قاچاق مواد مخدر دارد. بنابراین، با توجه به اینکه کج‌رفتاری یادگرفتنی است نه ارثی و کج‌رفتاری در تعامل با دیگران آموخته می‌شود، پیشنهاد می‌شود مهارت‌های اجتماعی زنان در حوزه تعاملات اجتماعی ارتقا یابد تا گرفتار حلقه‌های انحرافی نشوند.

منابع

- [۱] احمدی، حبیب (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: سمت.
- [۲] ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسن؛ فرضی‌زاده میان‌دهی، زهرا (۱۳۹۰). *روش‌های کاربردی تحقیق - کاربرد نظریه بنیانی*، تهران: کیهان.

- [۳] استروس، انسلم؛ جولیت، کرین (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی- فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نی.
- [۴] اصلانی اسلمرز، عابد؛ سبحانی پرویز؛ ترانه، کامران (۱۳۹۴). «بررسی عوامل و زمینه‌های مؤثر بر رشد گرایش به قاچاق کالا از منظر مرزنشینان مطالعه موردی: شهرستان بانه»، *پژوهش‌نامه مطالعات مرزی*، س ۳، ش اول، ص ۲۳-۵۵.
- [۵] امانت، حمید (۱۳۷۳). «بررسی عوامل اجتماعی بزهکاری نوجوانان در تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تربیت مدرس.
- [۶] ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- [۷] بیگم قدمگاهی، علی؛ وطن‌دوست، غلامرضا؛ پیشگاهی‌فر، زهرا (۱۳۸۹). «مقایسه اثرپذیری مناطق مرزی و مرکزی کشور از مواد مخدر و تأثیر آن بر اقتصاد خانوار (مطالعه موردی تایباد و تهران)»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی*، س ۲، ش ۴، ص ۱۱۹-۱۳۲.
- [۸] پوران، رضا (۱۳۹۱). «بررسی علل، آثار و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی واردات کالاهای قاچاق در ایران»، اولین جشنواره فراخوان مقالات اقتصاد سالم، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز.
- [۹] جعفرزاده، فروزنده؛ حسنی، فاطمه (۱۳۸۶). «نگاهی به علل و عوامل گرایش به قاچاق در منطقه آورتین در شهرستان کهنوج»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی سوء مصرف مواد*، س ۴، ش ۸، ص ۱۴۷-۱۶۲.
- [۱۰] حاجلی، علی؛ زکریایی، محمدعلی؛ حجتی کرمانی، سوده (۱۳۸۹). «نگرش مردم به سوء مصرف مواد مخدر در کشور»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش ۲، ص ۸۱-۱۱۲.
- [۱۱] زارعی، طهمورث (۱۳۸۸). «هنجاریابی آزمون شخصیتی MMPI برای معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر»، *نشریه اصلاح و تربیت*، شماره ۸۵، ص ۲۱-۲۶.
- [۱۲] ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، تهران: آوای نور.
- [۱۳] شریفیان، جعفر؛ ملکیان، لینا (۱۳۹۱). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر جرم در زنان زندانی زندان‌های استان گلستان»، *فصل‌نامه علمی تخصصی دانش انتظامی گلستان*، ش ۲، ص ۵۱-۸۴.
- [۱۴] عبدالمحمدی، امیر (۱۳۹۰). «مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا در ایران»، *فصل‌نامه نظم و امنیت اجتماعی*، س ۲، ش ۳، ص ۱۰۷-۱۲۴.
- [۱۵] فلیک، اووه (۱۳۹۱). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
- [۱۶] کرمی، محمدتقی؛ اعتمادی‌فرد، سید مهدی (۱۳۸۹). «ساخت اجتماعی اعتیاد در ایران»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، س اول، ش ۴، ص ۹۳-۱۱۰.

- [۱۷] گروسی، سعیده؛ محمدی دولت‌آباد، خدیجه (۱۳۹۰). «تجربه زیسته زنان وابسته به مواد مخدر از پدیده اعتیاد»، *جامعه‌شناسی زنان*، س ۲، ش اول، ص ۷۴-۵۵.
- [۱۸] محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- [۱۹] محمدی انارکی، حمید (۱۳۹۵). «عوامل مؤثر بر گرایش به قاچاق در بین زندانیان شهر کرمان»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان*.
- [۲۰] محمدی، مجید (۱۳۹۱). «راهکارها و پیش‌آمدهای قاچاق کالا در شهرهای مرزی (مطالعه موردی شهرستان پیرانشهر)، دومین همایش ملی راهکارهای توسعه اقتصادی با محوریت برنامه‌ریزی منطقه‌ای».
- [۲۱] یعقوبی، جمال (۱۳۸۸). «بررسی جامعه‌شناختی پدیده قاچاق مواد مخدر توسط زنان در زندان مرکزی اصفهان»، *پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی*.
- [22] Agnew.R. and T.M. Brungardt. (1991). *Juvenile misconduct and delinquency*. Boston: Houghton and Mifflin.
- [23] Cohen, A. and H.G. Kluegel and R. land. (1981). *Neighbourhoods and Crime*. New York: Lexington.
- [24] Eliout, D. (1998). "Neighbourhood characteristics, peer networks, and adolescent violence", *Journal of Quantitative Criminology*, 22(2), PP 147-169
- [25] Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love & Eroticism in Modern Societies*, California, Stanford University press
- [26] Gottfredson, L. (1990). "Privation and vulnerability to victimization for Canadian youth: The contexts of gender, race, and geography", *Youth Violence and Juvenile Justice*, 2(4), PP 123 -139.
- [27] Heirshi. T (1969). *Policing a Free Society*. Cambridge, MA.: Ballinger Publishing. John.
- [28] Kermode.T (2013). *Falling through the cracks: a qualitative study of HIV risks among women who use drugs and alcohol in Northeast India*. BMC International Health and human Rights. <http://www.biomedcentral.com>.
- [29] Lic, Pants, M. A. & Chou, C. P. (2002). "Parental Substance Use as a Modifier of Adolescent Substance Use Risk", *Addiction*, 97: PP 31-50.
- [30] Peace.R (2001). "Social Exclusion: A Concept in Need of Definition", *Social Policy Journal of New Zealand Lssue* , 16, PP 17-36.
- [31] Sigel.J (2001). "Criminology, Theries, patterns and Typologies-7th Edition, Belmont. CA: Wadsworth Thomson learning. smoking in a sample of undergraduate college students", *Addict Bahav*, 32(3), PP 449-64.
- [32] Small, Will- Fast, Danya- Krusi, Andrea- Wood,Evan- Kerr,Thomas (2009). *Social influences upon Drug traffickingamong street-involved youth in Vancouver, Canada: a qualitative study*. Substance Abuse Treatment, Prevention, and Policy.